

بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش علوم دینی

امروز دنیا، دنیای امواج است با امواج و کامپیوتر همه مفاهیم از این طرف به آن طرف دنیا منتقل می‌شود... ما از این دنیا عقبیم.

مقام معظم رهبری

مقدمه

بسیاری از اندیشمندان، قرن بیست و یکم را دروازه ورود به عصر اطلاعات و جامعه جهانی اطلاعات محور می‌دانند. مهم‌ترین دستاورد فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، ایجاد و گسترش شبکه جهانی اینترنت است. نفوذ شگفت و روزافزون این شبکه، بسیاری از مرزها را از میان برداشته و تأثیرات عمیقی بر ابعاد گوناگون زندگی آدمیان گذاشته است. این تحولات و تأثیرات، شاید بیش از هر چیز، دامن «آموزش» و «یادگیری» را گرفته است؛ تا جایی که علاوه بر تغییر روشها، تغییرات بنیادین در مفاهیم آموزشی سنتی ایجاد کرده است. امروزه، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش مجازی امکان یادگیری را در هر زمینه‌ای برای هر فردی و در هر زمان و مکانی فراهم آورده است. این مکان، با برداشته شدن محدودیت‌های زیر فراهم شده است:

۱. محدودیت‌های فیزیکی (نیاز به تأسیس ساختمان، لزوم طی فاصله و...);

۲. محدودیت‌های زمانی (ثابت بودن زمان شروع و اتمام کلاس‌ها و...);

۳. محدودیت‌های تعداد پذیرش؛

۴. محدودیت‌های هزینه‌ای (هزینه‌های سنگین نگهداری مدارس و دانشگاه‌ها و...);

۵. محدودیت‌های ترتیب درس‌ها و مقاطع آموزشی (گذراندن دروس و مقاطع آموزشی با ترتیب خاص).

فناوری اطلاعات و ارتباطات، سیستم‌های آموزشی جهان را قادر ساخته تا فرصت‌های آموزشی را با صرف کمترین هزینه در اختیار همگان بگذارند. این ابزارها، امکان ارائه آموزش‌های بسیار متنوع، برای تمامی افراد جامعه را فراهم می‌آورند. در جامعه ما نیز گروه‌های گوناگون، نیازهای آموزشی مختلف در زمینه علوم و معارف دینی دارند. برخی، مشتاق یادگیری علوم دینی و کسب تخصص در زمینه‌های مختلف آن‌اند؛ برخی دیگر، مایل به یادگیری احکام و معارف دینی، در حد برآوردن نیازهای دینی در زندگی روزمره هستند؛ برخی نیز

تنها علاقمند به آشنایی با برخی از شاخه های علوم دینی اند. همه این افراد، امکان شرکت در کلاس های حضوری را - به فرض وجود این همه کلاس- ندارند. از این روی، تنها بابه گیری از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، و ایجاد سیستم های آموزش مجازی، می توان این نیازهای را برآورد.

از طرف دیگر، ارتقاء کارائی و اثر بخشی آموزش های سنتی، در حوزه علوم دینی، یکی از مسائل و دغدغه های اصلی مسئولان مربوطه است. فناوری اطلاعات ارتباطات را می توان ابزاری نیرومند برای ارتقاء کیفیت و کارائی آموزش ساخت.

ساختارهای آموزشی و انقلاب اطلاعاتی

روزگار ما آستان یک انقلاب اطلاعاتی است. این انقلاب که بی هیچ مانعی، در شرف وقوع است، هر چند از سازمان های تجاری و صنعتی آغاز شده، بی تردید، همه نهادهای جامعه را فرا خواهد گرفت و به نحو ریشه ای، معنا و مفهوم اطلاعات را، هم برای سازمان ها و هم برای افراد، تغییر خواهد داد. بستر وقوع این انقلاب، تکنولوژی، ماشین آلات، نرم افزار یا سرعت نیست؛ مفاهیم و تصورات کلی است. این تحول بزرگ، امروزه در آستانه پدید آوردن تغییرات اساسی، در آموزش و پرورش و مراقبت های پزشکی و درمانی است. امواج این دگرگونی، همچنین، دامنه امور آموزشی را نیز خواهد گرفت و در آینده ای نزدیک ساختارهای آموزشی را دستخوش تغییر و تحولاتی ژرف خواهد ساخت. آموزش از راه دور، ممکن است در بیست و پنج سال آینده، نهاد ساده و بی پیرایه مدرسه و آموزش عالی را متروک و از رده خارج کند و تربیت پس دبیرستانی را که مرکز ثقل آموزش عالی است، از میان بردارد و تحصیلات حرفه ای بزرگسالان را در طول کل حیات کاری شان جایگزین آن سازد. این دگرگونی، ممکن است آموزش را از محیط مدارس عالی و دانشگاه ها خارج کند و به جاهای متعدد و مختلفی چون منزل، اتومبیل، قطار مسافری، محل کار، اماکن مذهبی بکشانند. صورت دیگر این جابه جایی مفاهیم در فناوری اطلاعات (IT)، در زمینه آموزش، کمرنگ شدن نقش فناوری (Technology = T) نسبت به اطلاعاتی (Information = I) و تأکید بیشتر بر اطلاعات (I) به جای فناوری (T) است.

فراگیری الکترونیکی

آموزش از راه دور به فرآیند آموزشی ای گفته می شود که در آن، میان معلم و متعلم، یا استاد و دانشجو فاصله جغرافیایی باشد. در این نوع آموزش از ابزارهایی مانند: پُست، ویدئو تلویزیون کابلی، ماهواره و کامپیوتر استفاده می شود. آموزش از طریق کامپیوتر، نمونه ای از آموزش از راه دور است که برای صرفه جویی در هزینه های آموزش و با استفاده از فناوری کامپیوتر در امر آموزش، ابداع گردیده است. یکی از مشکلات این نوع آموزش، نبود ارزیابی و دریافت بازخورد از فعالیت آموزشی آموزنده بود. ارزیابی درس آموز، در این نوع

آموزش عموماً از طریق مصاحبه های حضوری یا تلفنی صورت می پذیرفت؛ اما اشکال کلی این روش تعاملی نبودن آموزش در آن بود. با ایجاد و گسترش شبکه جهانی اینترنت، برای اولین بار، این امکان آموزش الکترونیکی تعاملی، به وجود آمد. در این شیوه، فناوری های مختلف کامپیوتری و اینترنتی، نظیر: پُست الکترونیکی کنفرانس کامپیوتری صفحات پیام اتاق های چت و میز ویدئو به کار گرفته می شود. برخی، به این نوع آموزش، آموزش اینترنتی یا آموزش الکترونیکی برخط نیز می گویند. با این توضیحات، فراگیری الکترونیکی یا آموزش اینترنتی را می توان چنین تعریف کرد:

الف) فراگیری الکترونیکی از آن جهت که بیانگر به کارگرفتن فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی، در فرایند آموزش و فراگیری است، این گونه تعریف می شود:

بهره گیری از فناوری های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، مانند: اینترنت و سیستم های چند رسانه ای، جهت بهبود کیفیت آموزش و فراگیری، و دسترسی آسان به منابع و خدمات آموزشی از طریق ارائه تسهیلات، و فراهم نمودن تعامل و همکاری از راه دور.

بر اساس این تعریف، نتیجه به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، تعاملی کردن و ارتقاء کیفیت آموزش است.

ب) آموزش اینترنتی، آموزشی است که بتوان در آن محتوای درسی و آموزشی را عرضه کرد و بازخورد فعالیت آموزشی آموزنده را از این طریق دریافت کرد.

این تعریف، آموزش اینترنتی را از انواع دیگر آن، مانند: آموزش از راه دور، آموزش از طریق کامپیوتر، و حتی دیگر موارد استفاده از محیط اینترنت؛ جدا می سازد.

آموزش الکترونیکی در حوزه علمیه

آموزش الکترونیکی در حوزه را با در نظر گرفتن تعریف آموزش الکترونیکی، می توان چنین تعریف کرد: آموزش الکترونیکی در حوزه سیستم آموزشی خاصی، است که با بهره گیری از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی رایانه ای و اینترنتی، آموزش های مربوط به زمینه علوم و معارف اسلامی را ارائه می کند. راه اندازی این سیستم نتایج زیر را در پی خواهد داشت:

۱. افزایش کیفیت آموزش در علوم و معارف اسلامی؛
۲. همگانی کردن آموزش های علوم و معارف اسلامی؛
۳. پاسخ گویی به نیازهای متنوع و گسترده در حوزه علوم اسلامی؛
۴. جهانی سازی بیشتر حوزه های علمیه ایران.

فراگیری الکترونیکی و مشکلات آن

مزیت نخست این روش آموزشی، که بزرگ ترین مزیت آن به حساب می آید، تعاملی بودن آن است؛ بدین معنا که در آن، میان معلم و متعلم، رابطه دوجانبه برقرار می شود.

مزیت دوم کاهش هزینه های آموزشی است. هزینه عمده این روش آموزشی، به هزینه های اولیه سخت افزاری (کامپیوتر، ویدئو، دوربین ها، امکانات ماهواره ای و...) و نرم افزاری (برنامه های کامپیوتری) محدود می شود که در مقایسه با هزینه های آموزش چهره به چهره، ناچیز است. هزینه های نگهداری و حتی هزینه های توسعه ای این شیوه نیز با هزینه های آموزش چهره به چهره قابل مقایسه نیست.

مزیت سوم جلب مخاطبان خارجی و دور از مرکز آموزشی است. در این نوع آموزش، محدودیت های جغرافیایی سیاسی، ملیتی، نژادی و... مانع حضور متعلم در کلاس درس مجازی نمی شود.

مزیت چهارم اینکه در این نحوه آموزش، معیارهای اندازه گیری و سنجش عملکرد، شفافیت و معنا داری بالایی دارند، از این روی، عملکرد آموزشی را به نحو شایسته ای می توان سنجید.

مزیت پنجم اینکه در این روش، فرصت و امکان یادگیری در هر زمانی مهیاست.

مزیت ششم این نوع آموزش، این است که آموزنده می تواند امر آموزشی را از هر درسی که بخواهد و از هر کجای بحث که مایل باشد، دنبال کند.

نخستین عامل محدود کننده فراگیری الکترونیکی آن است که این نوع آموزش، زمان بسیاری از استاد می گیرد. در این شیوه، استاد همواره باید در دسترس باشد، از این رو، باید دو یا سه برابر زمانی که برای آموزش چهره به چهره لازم است، صرف کند. منشأ این امر، ضرورت مشارکت استاد و فراگیر در امر آموزش است. این شیوه از آموزش، بدون مشارکت جدی دو طرف آموزشی، عملاً امکان پذیر نیست. از این روی، شیوه آموزشی سایت هایی که صرفاً موادی را تهیه کرده و روی شبکه ریخته اند و قادر به ارائه مشارکت آمیز مواد خود نیستند، چندان مؤثر نیست.

دوم اینکه احتمال دور افتادن از فرآیند آموزش و شخصی شدن آموزش بسیار است. در این شیوه، استاد، باید با به کارگیری روش هایی برای بالا بردن سطح تعامل، از درگیر شدن با موضوعات و مسائل شخصی پرهیز کند تا اهداف اصلی آموزش، به دست غفلت سپرده نشود. همچنین باید از تبدیل ارتباط دو طرفه با همه دانشجویان، به سخنرانی یک طرفه، یا ارتباط با چند دانشجوی خاص، جلوگیری کند.

عامل محدود کننده سوم در این روش آن است که، تا اهداف آموزشی و بازخوردهای آن، آشکار و شفاف نشوند، مدیریت دوره های آموزشی، دشوار خواهد بود.

چهارم اینکه فرایند آموزش باید برای فراگیران، ارزش خاصی داشته باشد تا به یک کار فرعی، یا سرگرمی تبدیل نشود. بنا براین، باید به فراگیران، در برابر گذراندن دوره ها و دروس آموزشی، مدرک متناسب داده شود.

عامل محدود کننده پنجم این است که از آنجا که دانشجویان در این شیوه آموزشی باید ویژگی هایی مانند: جدیت، خود نظم بخشی، خود اتکائی، مهارت های کامپیوتری و... داشته باشند، در عمل، دایره مخاطبان این دوره های آموزشی، به افراد ویژه ای محدود می شود.

رابطه آموزش الکترونیکی با آموزش سنتی

آموزش الکترونیکی روش های آموزش سنتی را تکمیل می کند و در بعضی موارد جایگزین آن می شود و در برخی موارد، نه مکمل آن می شود و نه جایگزین آن. در آموزش ترکیبی که یکی از رویکردهای اصلی آموزش الکترونیکی است، بیش از یک رسانه، در امر آموزش، به کارگرفته می شود. مانند: ترکیب آموزش معلم با بهره گیری از ابزارهای مبتنی بر وب؛ در این شیوه، آموزش الکترونیکی مکمل آموزش سنتی می شود.

در مدارس معمولی به علت متفاوت بودن استعدادها و علایق افراد شرکت کننده در کلاس، از سویی، همه آنها از کلیه مطالب کلاس استفاده نمی کنند و از طرف دیگر کلاس برای برخی، خسته کننده می شود. مدارس مجازی این فرصت را ایجاد می کنند که فراگیران ضعیف تر، مطالب درس را به تعداد دلخواه مرور کرده، تمرینات بیشتری حل کنند، و فراگیران قوی، علاوه بر مطالب کلاس، بر دامنه اطلاعات و دانش خود بیفزایند.

در برخی زمینه ها بکارگیری آموزش الکترونیکی مناسب نیست. در پایان سال ۲۰۰۰ میلادی، مؤسسه تحقیقات Training zone لندن، یک تحقیق گسترده در زمینه تأثیرات اجتماعی روش فراگیری الکترونیکی در امر آموزش انجام داد. یکی از نتایج بدست آمده، این بود که میزان تأثیرگذاری هر شیوه آموزشی، نسبت به موضوع آموزش فرق می کند. از این رو ارائه آموزش های مهارت های ظریف، یا دوره های مربیگری، با استفاده از روش یادگیری الکترونیکی، مطلوب نیست؛ اما در ارائه اطلاعات خالص و آموزش هایی مثل آموزش علوم کامپیوتری، این شیوه جزء بهترین شیوه ها است.

فراگیر، مدرس، محتوا و محیط آموزشی، از عناصر اصلی هر فرایند آموزشی می باشند. رویکردهای سنتی و جدید، دیدگاه خاصی در باره هر یک از این عناصر دارند، از این روی، آموزش الکترونیکی و آموزش سنتی را می توان از زوایه این ابعاد، با هم سنجید. نتایج مقایسه در جدول زیر آمده است.

ابعاد رویکرد	رویکرد سنتی	رویکرد جدید
نگاه به آموزش و یادگیری	فردی	اجتماعی
با تاکید بر	رقابت	همکاری و مشارکت
وظیفه فراگیران	ذخیره سازی اطلاعات و حفظ مطالب	مدیریت اطلاعات و تولید دانش
روابط مدرس و فراگیران	دو گروه مجزای دانا و نادان	یک گروه به عنوان جامعه فراگیران
فراگیران	غیر فعال و وابسته به معلم	فعال و مستقل
محتوای تدریس	محدود و انتخابی	نامحدود و متنوع
یادگیری	کمی	کیفی

مدل های آموزش الکترونیکی

در آغاز که فناوری فراگیری الکترونیکی، در ابتدای راه خود بود و اساتید، آشنایی چندانی با آن نداشتند، دروسی که با این شیوه، ارائه می شد، جذابیت زیادی نداشت و به طور عمده، کپی الکترونیکی محتوای کلاس های سنتی بود، از این روی، این مدل، بیشتر تبدیل به یک وسیله کمک آموزشی برای اساتید گردید. برای جبران این ضعف، خلاء دروسی که از پایه، به منظور ارائه در محیط اینترنت طراحی و تألیف شده بود، در دانشگاه ها و مراکز آموزشی احساس گردید، ولی چون این کار هزینه زیادی داشت، کمتر دانشگاهی اقدام به تهیه چنین برنامه هایی کرد. برای حل این مشکل نیز پیشنهاد شد گروهی از دانشگاه ها با مشارکت هم و با کمک شرکت های خصوصی، دروس متعامل با کیفیت بالا طراحی کنند و به صورت یک دانشگاه کاملاً مجازی ارائه نمایند. مثلاً دانشگاه های Carnegie Mellon و Stanford... با همکاری شرکت Unext، دانشگاهی کاملاً مجازی به نام Cardean تأسیس کردند. باز به علت هزینه بالا، تهیه محتوای این دانشگاه مجازی از عهده همه مراکز و دانشگاه ها برنمی آمد.

امروزه، مدل، دیگری به رهبری دانشگاه MIT، به نام Open Course ware یا درس آزاد، مطرح شده است. بر اساس این مدل، تا سال ۲۰۰۷م، تمام دروس این دانشگاه از طریق اینترنت، به صورت رایگان، در اختیار عموم قرار می گیرد. این مدل نه تنها اجازه ترجمه و اقتباس از مطالب درس را می دهد، بلکه این امر را تشویق نیز می کند. مدل درس آزاد، در حقیقت، همان نقش مدل Open

Course را در ایجاد و گسترش بسیار سریع نرم افزارهای با کیفیت بالا را ایفا خواهد نمود و موجب افزایش کیفیت و گسترش دروس (محتوای دروس) آموزش اینترنتی خواهد شد. از این روی به زودی شاهد خواهیم بود که مراکز آموزشی و شرکتهای مختلف کشورهای گوناگون، تنها به شرط مندرج کردن متن ليسانس، این نوع دروس را ترجمه کرده و به صورت انتفاعی یا غیر انتفاعی، در اختیار مردم بومی خود قرار خواهند داد.

زیر ساخت های فراگیری الکترونیکی

توجه به زیر ساخت های لازم برای فراگیری الکترونیکی ضروری است. منظور از زیرساخت ها، فقط زیر ساخت های سخت افزاری و شبکه ای لازم، نیست. تجربیات حاصل از سعی و خطا و مطالعات صورت گرفته در کشورهای دیگر دیدگاه ها و استانداردهای مختلفی، در کلیه زمینه ها، از جمله امکان سنجی های اولیه، تهیه متون درسی، ارائه دروس، ارزیابی تحصیلی پدید آورده است. استفاده از این دیدگاه ها و استانداردها، در بخش های مختلف تصمیم گیری، باعث افزایش کارایی و اثر بخشی اقدامات، مراحل تأسیس و ادامه فعالیت های مرکز یا حوزه آموزش الکترونیکی می گردد.

۱ - منطق توسعه شبکه

توسعه شبکه باید بر اساس نیاز واقعی صورت پذیرد؛ زیرا کاربران، تنها در صورت احساس نیاز طبیعی، از آن استفاده خواهند کرد. از طرف دیگر، سرمایه گذاری بیش از حد در این زمینه، امکان سرمایه گذاری در بخش های دیگر (نرم افزاری و محتوا) را محدود می کند. همچنین میزان آمادگی کاربران برای استفاده از شبکه و دریافت آموزش های الکترونیکی را باید با آزمون هایی سنجید.

۲ - محتوا

نسبت هزینه های زیر ساخت، به هزینه های محتوا. در این نوع آموزش ها در دانشگاه ها و مراکز بزرگ، ۲۰ به ۸۰ است. از این روی، محتوا در این سیستم ها جزء دارایی ها حساب می گردد بنا بر این، در طراحی و تولید محتوا باید به گونه ای انجام پذیرد که تا با تغییرات محیط و زمان، تغییرات لازم در محتوا به حداقل برسد و به سهولت و با هزینه کم قابل انجام باشد. مثلاً به جای پیروی از رویکردی که در آن محتوای آموزش وابسته به برنامه است، از رویکردی که در آن کوچکترین جزء مستقل و قابل دسترسی RLO، یک پودمان درسی است، پیروی گردد.

۳ - سخت افزار

امروزه، قابلیت انتقال توان پردازش به دستگاه مرکزی در محیط های خادم /

مخدوم و تولید نرم افزارهایی که در محیط مرورگر «وب» قابل اجرا هستند، امکان استفاده از دستگاه های ارزان قیمت را مهیا کرده است.

۴ - استانداردهای نرم افزاری

استفاده از نرم افزارهای مبتنی بر استانداردهای بین المللی، نظیر: IEEE , IMS مزایایی دارد، از جمله: میان اجزای مختلف سیستم، ارتباطی امن و پایدار پدید می آورد، امکان توسعه نرم افزار را در آینده فراهم می کند؛ و امکان تبادل اطلاعات، بین این نرم افزار، و نرم افزارهای آموزشی دیگر را ایجاد می کنند و میان آنها ارتباط برقرار می سازد.

۵ - محیط ارتباطی

محیط ارتباطی باید به صورت یک ابرسایت آموزشی طراحی گردد که در آن، به هر کاربر، پس از ورود به شبکه، صفحه ای برای انجام کلیه امور ارتباطی و کاری خود داده شود و برای کاربران خاص، صفحه یا سایت اختصاصی طراحی گردد؛ همچنین، امکان تعریف انواع ارتباط، بین گروه های مختلف، وجود داشته باشد.

رویکردهای آموزش و یادگیری

سه رویکرد اصلی آموزش را می توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. رویکرد Instructional

در این روش، تأکید اصلی بر استاد و اطلاعات آموزشی، و هدف؛ انتقال اطلاعات از استاد به فراگیر است. برخی، این روش را اصطلاحاً استراتژی طوطی وار می نامند.

۲. رویکرد Constructivist

در این روش، تأکید بر شخص فراگیر است، فراگیرنده، معلومات و دانش خود را می سازد و در واقع، مسئول فراگیری خویش است. و استاد نقش راهنما را در فرآیند آموزش و فراگیری ایفا می نماید. برخی، این روش را اصطلاحاً استراتژی فکر کننده خلاق می نامند.

۳. رویکرد Social constructivist

در این روش، با هدف فراگیری و کسب دانش، مطالعه، به صورت گروهی و در تعامل با یک اجتماع انجام می شود. فراگیری در این روش، اصطلاحاً فرآیندی در قالب یک فعالیت اجتماعی است.

Constructivist

- فراگیری فردی

- مطالعه موردی

- خودآموزشی

- موضوعات و مواد آموزشی

- سؤال و جواب

Social

constructivistic

- فراگیری با همکاری

- فراگیری بر پایه مشکلات

- میدان بحث و گفت و گو

- کار دسته جمعی

Instructional

- فراگیری تسهیل شده

- سخنرانی ها

- ارائه ها

- کتب درسی

آموزش و

یادگیری

فراگیری الکترونیکی، مبتنی بر رویکرد Constructivist است یعنی، فراگیر، خود نقش اساسی در یادگیری خویش دارد و استاد، به جای انتقال اطلاعات خود، فراگیرنده را کمک می کند معلومات و دانش مورد نیازش را یاد بگیرد؛ از این روی، نکات زیر در میزان موفقیت سیستم های آموزشی و یادگیری الکترونیکی نقش مهمی ایفا می کنند:

۱. انتخاب مخاطبان و داوطلبان مناسب؛
۲. انتخاب دروسی که مناسب ارائه به صورت الکترونیکی است؛
۳. آموزش اساتید و آشنایی آنها با نقش های خود در این نوع آموزش؛
۴. انتخاب فناوری مناسب؛
۵. آموزش مخاطبان و داوطلبان، جهت استفاده آسان و مناسب از امکانات و فناوری های به کار گرفته شده؛
۶. ایجاد و مدیریت سیستم مناسب نظارت و ارزیابی؛
۷. استفاده همزمان از آموزش مجازی و آموزش رودررو.

ضرورت و دلایل

شواهد و دلایل متعدد و مختلفی دال بر این است که راه اندازی حوزه علمیه / مرکز اسلامی الکترونیکی، و به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، در امر آموزش در حوزه علوم و معارف اسلامی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

اولین دلیل، مبتنی بر نقش حوزه های علمیه در برنامه های توسعه ملی است. توسعه، فرآیند جامع و فراگیری است که هدف آن، خود انسان و بهبود بخشیدن به شرایط زیستی افراد جامعه است. از این رو، یکی از ارزشمندترین منابع جامعه برای پیشرفت و توسعه، حوزه های علمیه است. حوزه های علمیه به لحاظ دارا بودن مخازن عظیمی از علوم و معارف اسلامی، و علما و فقهای دینی، جایگاه ویژه ای در جامعه دارند و می توانند در توسعه انسانی از جنبه های روحی و معنوی آن، که از ابعاد اساسی در برنامه توسعه به حساب می آید، نقش محوری ایفا نمایند. ایفای این نقش عظیم، با امکانات و روش های سنتی، عملی نیست. از این روی می توان و باید از فرصت طلایی ای که به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر آموزش و توسعه انسانی فراهم کرده است، استفاده نمود.

دلیل دوم این است که علوم و معارف دینی نیاز اساسی دنیای امروز است. با پیشرفت جوامع و گسترش ارتباطات جهانی، این نیاز، و به تبع آن انتظارات مردم، بیشتر می گردد. هم اکنون سیل عظیمی از مشتاقان و تشنگان علوم دینی، در جامعه ما وجود دارد که به دلایل مختلف، به ویژه محدودیت شدید ظرفیت پذیرش، امکان پاسخ گویی به درخواست آنها وجود ندارد. برآوردن این حجم از نیازمندی ها، مکانیزم های خاصی را می طلبد، که به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر آموزش، یکی از آنهاست.

متنوع شدن درخواست ها و نیازهای آموزشی و نا توانی شیوه های سنتی در

پاسخ گویی به آنها، دلیل دیگری به این امر است. هم اکنون، افراد مختلفی با ویژگی ها، و سطح دانش و سواد متفاوت، درخواست ها و نیازمندی های متنوعی دارند؛ از این رو، نمی توان تمامی مخاطبان را در چند دسته مشخص دسته بندی کرد و در قالب های مشخصی به نیاز آنها پاسخ گفت. بالا بودن هزینه های تأسیس و اداره مراکز و حوزه های سنتی، و عملی نبودن تأمین این هزینه ها، دلیل دیگری بر ضرورت به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر آموزش علوم دینی و معارف اسلامی است. حتی با تمام بودجه ها و درآمدهای حوزه های علمیه و بخش عظیمی از بودجه عمومی، نمی توان به اندازه لازم مراکز دینی و حوزه های علمی تأسیس و آنها را اداره کرد. در حالی که استفاده از تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، این هزینه را به کمتر از یک سوم کاهش می دهد. همچنین، امکان پاسخ گویی به داوطلبان در این شیوه، با آموزش سنتی قابل قیاس در این امر با محدودیت های شدید آن در پذیرش داوطلبان نیست.

آمادگی برای پاسخ گویی به تبعات جهانی سازی، دلیل پنجم این امر است. با جهانی شدن، افراد هر جامعه به راحتی و به طور مداوم، در معرض اطلاعات و آگاهی های مختلفی قرار می گیرد. در این جریان، مراکز گوناگون، حتی در خارج از کشور، به این نیازمندی ها، به طور سریع و مداوم و آن گونه که خود می خواهند پاسخ می دهند. از این روی، برای هموردی با مراکز اطلاع رسانی و تبلیغاتی داخلی و جهانی در این عرصه، نیاز به طراحی سیستم جدیدی است که بتوان از طریق آن علوم و معارف اسلامی را با همان سرعت و دقت و تداوم، در اختیار همگان نهاد.

دلیل ششم، ضرورت ایجاد تغییر در شیوه آموزش های حوزوی است. بسیاری از علما و بزرگان حوزه بر ضرورت ایجاد تحول در امر آموزش در حوزه علمیه، انگشت گذاشته اند. مقام معظم رهبری نیز در سفر خود به حوزه های علمیه قم، در سال ۱۳۷۴ برگسترش کمی و کیفی امر آموزش در حوزه علمیه تأکید کردند. برای گسترش کمی، یعنی پذیرش و تربیت تعداد بیشتری از طلاب، به کاری گیری روش های سنتی جوابگو نیست. با تشکیل کلاس های مجازی، هم مشکل هزینه های تأسیس و راه اندازی، و هم مشکل تأمین اساتید مجرب، مخصوصاً در سطوح بالا و به ویژه در شهرستان ها؛ و هم مشکلات دیگر، تا حدود زیادی حل می شوند. با بهره گیری از این شیوه، یک استاد مجرب، می تواند بدون نیاز به مکان فیزیکی و تجهیزات متداول، در سطحی فراگیر، چند صد طلبه تربیت کند. مثلاً درس خارج یک استاد در حوزه علمیه قم در سطح جهانی قابل بهره برداری و استفاده می گردد.

در ابعاد کیفی نیز، آموزش الکترونیکی امکاناتی برای تعلیم و تربیت ایجاد کرد که متنوع تر و خود انگیخته تر از جریان غالب تعلیم و تربیت سنتی است. فضای مجازی، محیطی می سازد که کنترل آن به دست خود فراگیر است و او خود می تواند به نحو فعال، در تولید دانش مشارکت ورزد؛ بدین سان، فضایی ایجاد می شود که در آن، فراگیران صرفاً معانی را شرح نمی دهند، بلکه فعالانه در خلق معانی مشارکت می ورزند. در این شیوه به جای دانش رسمی، بر کسب

مهارت های اساسی توجه می شود و بدین سان تأکید از آموزش، به یادگیری منتقل می گردد. به طور معمول، آموزش و یادگیری لزوماً در پی هم نمی آیند؛ چه بسا آموزش هایی که منجر به یادگیری نمی شوند و یادگیری هایی که از راه آموزش های رسمی به دست نیامده است. به کارگیری آموزش مجازی با ابزارهای الکترونیکی، کیفیت آموزش را از این نظر نیز متحول می گرداند.

نتیجه گیری

فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییرات بنیادین در امر آموزش پدید آورده است. این تغییرات، تنها دامن فناوری ها و روش ها، را نگرفته، بلکه مفاهیم و تصورات را نیز دگرگون ساخته است. این پیشرفت ها فرصتی استثنایی برای متحول ساختن شیوه های سنتی آموزش، در حوزه علوم و معارف اسلامی ایجاد کرده است. از طرف دیگر، ضرورت تغییر در روش های آموزشی، در حوزه علوم دینی، در سخنان بسیاری از بزرگان حوزه ملاحظه می گردد. از سویی، پاسخ گویی به نیازهای بسیار زیاد و متنوع که مدرسه ای به بزرگی کل جامعه می طلبد، یک واقعیت ملموس است. تجزیه و تحلیل همزمان این مسائل، اجتناب ناپذیر بودن به کارگیری این فناوری در آموزش علوم دینی و معارف اسلامی است را آشکار می سازد. اما شناخت ویژگی ها، و موارد کاربرد آن فناوری و همچنین شناخت و درک ویژگی های حوزه، برای به کارگیری این شیوه در حوزه علمیه، امری ضروری است. با توجه به همه این نکات، استفاده همزمان از آموزش های سنتی و آموزش های الکترونیکی، به صورت یک راهبرد مناسب، پیشنهاد می گردد.